

# دنیا جای ما ندن نیست

خوش گرفتند حریفان سر زلف ساقی  
گر فلک شان بگذارد که قراری گیرند  
لسان الغیب حافظ شیرازی چه زیبا در این بیت به شرح و حال کسانی  
که در این جهان فانی به جاه و جلالی می رسند و ایامی چند زندگی بر  
مراد آنها می چرخد اشاره کرده است و این که در این موقعیت های  
پوشالی آنچه به دست می آورند دیر نمی پاید که سرنوشت دیگری را در  
قبال خود مشاهده بکنند.

اگر سند همه دنیا را در بست به نام آدمی بزنند باز در آخر و عاقبت  
وی نمی تواند تاثیر گذار باشد. دنیا به هیچ کس وفا نداشته است.  
دنیای خاکی به پیامبران و اولیاء هم وفادار نمانده است. طبیعت  
دنیا این است. ای کاش معنی و مفهوم آن را به خوبی درک کرده  
باشیم و باور کنیم که این دنیا جای ماندن نیست اگر این امر را با  
تمام وجود درک بکنیم مطمئنا راه و روشی را در پیش خواهیم گرفت  
که به درد ما بخورد. رفتاری خواهیم کرد که مایه آبرو و عاملی  
برای نجات ما گردد.

ای که دانی به یقین خشت شود قالب تو  
از چه بیهوده نهی خشت همی بر سر خشت  
یکی از مشکلات عمده ای که جامعه ما با آن دست به گریبان است عمل  
نکردن به آنچه که می گوئیم می باشد. حرف های زیبایی می زنیم.  
چهره بسیار موقر و حق به جانبی می گیریم ولی آنجا که عرصه عمل می  
رسد همه چیز را فراموش کرده و نفع شخصی خود را مقدم بر همه چیز  
می دانیم.

دنیای عجیبی است. برخی ها که قدم گذاشتن در عرصه های اجتماعی را  
وسیله ای برای ارضای بخشی از هواهای نفسانی و منفعت طلبی تلقی می  
کنند هر حرکتی را در خلاف مسیر، دشمنی با خود تلقی کرده و سعی در  
اتهام زدن به هر وسیله و بهانه ای می کنند. اگر به آخرت و معاد و  
اصل "انا لله و انا الیه..." معتقدیم باید بدانیم که بازگشت به سوی  
او حتمی است و نباید کاری شود که در بازگشت احساس شرمندگی کنیم.  
آنجا دیگر حساب و کتابی است و با جار و جنجال پرونده ای به نفع  
آدمی بسته نخواهد شد.

باید آن قدر شهامت باشد تا تن به واقعیت ها داده شود. مطمئنا  
ضرری متوجه انسان نمی شود که تا می تواند کار و تلاش را بر آن  
استوار سازد که تا دیر نشده با عمل و اقدام نیکو و صالح استغفار  
بکند و آب رفته را به جوی بازگرداند که:

عنقریب است که از ما اثری باقی نیست

شیشه بشکسته و می ریخته و ساقی و نیست

چشم بر هم بزنیم عمر تمام شده است. غفلت کردن زمینه حسرت خوردن  
ها در آینده را فراهم می کند. نباید طوری رفتار شود که در روز  
حسرت دیگر کاری از دست ما برنیاید. تا فرصتی است و توانی باقی  
است تلاش کنیم تا دست از غفلت و خودخواهی و حسادت و روزمرگی  
برداریم و در جهت جلب رضای خدا و خلق خدا گام برداریم.

خدمت به خلق بهترین عبادت است. خوش به حال آنهایی که می توانند  
در این راه گام بر می دارند و همه چیز را فدای مطرح شدن ها و  
نقشه های منفعت طلبانه نکنند .

صدها فرشته بوسه بر آن دست می زنند

کز کار خلق، یک گره بسته وا کند

هرکس هر جا هست، مهم نیست که در کجا باشد، در خانه، در مدرسه، در  
کارخانه، در رسانه، در دانشگاه و یا در باشگاه و ورزشگاه. هر کس  
به اندازه وسع و توان خودش "لا تکلف نفسا الا وسعها" مهم این است  
که جهت حرکت درست باشد، غفلت در کار نباشد، راه و هدف را در  
هیاهوی روزگار و زیر حجاب خودخواهی ها، زیاده خواهی ها و فراموشی  
ها گم نکنیم و خدای بزرگ را در همه حال ناظر بر اعمال و رفتار  
خود بدانیم.